

## A psalm of David.

1. I will praise the LORD.  
Deep down inside me, I  
will praise him. I will praise  
him, because his name is  
holy.

2. I will praise the LORD. I  
won't forget anything he  
does for me.

3. He forgives all my sins.  
He heals all my diseases.

## مزمور داوود.

1. ای جان من خداوند را متبارک  
بخوان! او هر چه در درون من  
است، نام قدوس او را متبارک  
خواند!

2. ای جان من، خداوند را متبارک  
بخوان و هیچیک از همه  
احسانهایش را فراموش مکن!

3. که همه گناہانت را می‌آمرزد، و  
همه بیماریهایت را شفا می‌بخشد!

**4. He saves my life from going down into the grave. His faithful and tender love makes me feel like a king.**

**5. He satisfies me with the good things I desire. Then I feel young and strong again, just like an eagle.**

**6. The LORD does what is right and fair for all who are treated badly.**

**4. که حیات تو را از هاویه فدیہ می‌دهد و تاج محبت و رحمت را بر سرت می‌نهد!**

**5. که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا همچون عقاب، جوانی تو تازه شود.**

**6. خداوند عدل و انصاف را برای همهٔ مظلومان به جا می‌آورد.**

**Introduction to Luke 15,**

**25 June 2023**

**Jesus goes after each and everyone; even if we have lost our way or taken wrong paths. Jesus tells a parable about a lost sheep. Jesus carries it home.**

**The parable is found in Luke in the 15th chapter. We read verses 1-7.**

**مقدمه لوقا 15، 25/6/23**

**عیسی به دنبال تک تک افراد می رود. حتی اگر گم شدیم یا مسیرهای اشتباهی را در پیش گرفتیم. عیسی مثلی در مورد گوسفند گمشده می گوید. عیسی آن را به خانه می برد.**

**تمثیل در فصل پانزدهم لوقا است. آیات 1-7 را می خوانیم.**

1. The tax collectors and sinners were all gathering around to hear Jesus.

2. But the Pharisees and the teachers of the law were whispering among themselves. They said, 'This man welcomes sinners and eats with them.'

3. Then Jesus told them a story.

4. He said, 'Suppose one of you has 100 sheep and loses one of them. Won't he leave the 99 in the open country? Won't he go and look for the one lost sheep until he finds it?

1. و اما خراجگیران و گناهکاران  
جملگی نزد عیسی گرد می‌آمدند تا  
سخنانش را بشنوند.

2. اما فریسیان و علمای دین  
همهمه‌کنان می‌گفتند: «این مرد  
گناهکاران را می‌پذیرد و با آنان  
همسفره می‌شود.»

3. پس عیسی این مثل را برایشان آورد:

4. «کیست از شما که صد گوسفند  
داشته باشد و چون یکی از آنها گم  
شود، آن نود و نه را در صحرا نگذارد  
و در پی آن گمشده نرود تا آن را بیابد؟

5. When he finds it, he will joyfully put it on his shoulders  
6. and go home. Then he will call his friends and neighbours together. He will say, "Be joyful with me. I have found my lost sheep."

7. I tell you; it will be the same in heaven. There will be great joy when one sinner turns away from sin. Yes, there will be more joy than for 99 godly people who do not need to turn away from their sins.

5. و چون گوسفند گمشده را یافت،  
آن را با شادی بر دوش می‌نهد  
6. و به خانه آمده، دوستان و  
همسایگان را فرا می‌خواند و  
می‌گوید: "با من شادی کنید، زیرا  
گوسفند گمشده خود را باز یافتم."  
7. به شما می‌گویم، به همین‌سان  
برای یک گناهکار که توبه می‌کند،  
جشن و سرور عظیمتری در آسمان  
بر پا می‌شود تا برای نود و نه  
پارسا که نیاز به توبه ندارند.

Dear congregation,

1. I am pleased to preach today on Psalm 103, this Sunday's Psalm. It contains my confirmation verse. This beautiful psalm speaks of a variety of experiences with God. Also today we have many experiences with God, with Jesus. I would like to tell you about these experiences in the individual verses of the Psalm. Psalm 103 begins with praise to God:

حضار گرامی

1. خوشحالم که امروز درباره ی انجیل مزامیر ۱۰۳، مزمور این یکشنبه، موعظه می کنم، چرا که حاوی پیام تایید من است. این مزمور زیبا از تجربیات مختلف با خدا صحبت می کند. ما نیز امروز تجربیات متنوعی با خدا، با عیسی داریم. من می خواهم این تجربیات را به تک تک آیات مزامیر ربط دهم. مزامیر ۱۰۳ با ستایش خداوند آغاز می شود:

2. "Praise the Lord my soul! And all within me praise his holy name!" (Psalm 103:1) A court hearing in the asylum procedure: The interrogation is hard for the man who has to prove his Christian conviction before the court. In the end, the judge pronounces a positive verdict. The man can stay in Germany. All those involved leave the courtroom. The joy is immense and the man's eyes shine.

2. «ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و هرچه در درون من است نام قدّوس او را متبارک خواند.» (مزامیر ۱۰۳، ۱) جلسه دادگاه در روند پناهندگی: این جلسه برای مردی که باید اعتقادات مسیحی خود را در مقابل دادگاه ثابت کند دشوار است. در پایان قاضی رأی مثبت را اعلام می کند. مرد می تواند در آلمان بماند. همه دست اندرکاران دادگاه را ترک می کنند. شادی عظیم است و چشمان مرد می درخشد.



3. He keeps shouting: "Three one, three one" and shows three fingers and one finger alternately. It takes a while until I understand what the man means. He praises the triune God. He thanks the Father, the Son and the Holy Spirit, who now makes it possible for him to stay in Germany. He praises the triune God who has heard his plea and prayer. Three - One: Father, Son, Holy Spirit: one God.

3. او مدام فریاد می زند: "سه یک، سه یک" و به طور متناوب 3 انگشت و 1 انگشت را نشان می دهد. مدتی طول می کشد تا منظور آن مرد را بفهمم. او خدای سه گانه را می ستاید. او از پدر، پسر و روح القدس تشکر می کند که اکنون این امکان را برای او فراهم می کند که در آلمان بماند. او خدای سه گانه را می ستاید که دعاهای او را شنیده است. سه - یک: پدر، پسر، روح القدس: یک خدا.



4. "Praise the Lord my soul!  
And all within me praise his  
holy name!" (Psalm 103:1) In  
the Bible Circle: We talk about  
life in faith. Christians also  
experience difficult times,  
normal every-day life and  
beautiful days. One participant  
says: "I can laugh, cry, party.  
The main thing is that I stay on  
the path with Jesus! I think  
that when we stay on the path  
with Jesus, we praise God."

4. «ای جان من خداوند را متبارک  
بخوان! و هرچه در درون من است نام  
قدّوس او را متبارک خواند.» (مزامیر  
۱۰۳، ۱) در گروه مطالعه کتاب مقدس:  
ما در مورد زندگی با ایمان صحبت می  
کنیم. مسیحیان همچنین اوقات دشوار،  
زندگی روزمره عادی و روزهای زیبا را  
تجربه می کنند. یکی از شرکت کنندگان  
می گوید: «من می توانم بخندم، گریه  
کنم، مهمانی کنم. نکته اصلی این است  
که من در مسیر با عیسی می مانم! فکر  
می کنم وقتی با عیسی راه می رویم،  
خدا را ستایش می کنیم.»

5. "Praise the Lord, O my soul!  
And do not forget the good  
things he has done for you!"  
(Psalm 103,2) International meet-  
ing café on the church square of  
the Kreuzkirche (Bremerha-ven):  
The sun is shining, many have  
come. In front of the church hall,  
people from many different  
countries are learning German  
and talking together. A teacher  
shows a film about  
Bremerha-ven's ports on a  
tablet. At another table, irregular  
verbs are being practiced.

5. «ای جان من خداوند را متبارک  
بخوان و جمیع احسانهای او را  
فراموش مکن!» (مزامیر ۲، ۱۰۳)  
جلسات بین المللی در سالن  
کلیسای kreuzkirche برمرهافن:  
خورشید می درخشد، افراد بسیاری  
آمده اند. در مقابل سالن اجتماعات،  
مردم بسیاری از کشورهای مختلف  
آلمانی یاد می گیرند و با هم صحبت  
می کنند. یک رهبر تیم فیلمی در  
مورد بنادر برمرهافن روی تبلت  
نشان می دهد. در یک جدول دیگر،  
افعال بی قاعده تمرین می شود.

6. I say to one of the teamers: "What a beautiful picture out there: everyone is getting along well and learning on our beautiful church square. That's also partly thanks to you. You are always so nice to everyone." She replies: "God makes it so that we all get along so well." She points up and smiles.

6. من به یکی از اعضای تیم می گویم: «چه تصویر زیبایی در آنجا وجود دارد: همه به خوبی باهم کنار می آیند و در میدان زیبای کلیسای ما یاد می گیرند. این نیز با شایستگی شماست. تو همیشه با همه مهربانی، سپس او پاسخ می دهد: "خداوند این را طوری قرار می دهد که همه با هم خوب باشیم." اشاره می کند و لبخند می زند.

7. "Praise the Lord, my soul!  
And remember what good  
he has done for you!" (Psalm  
103:2) Some days many  
different groups meet in the  
parish hall of the  
Kreuzkirche - like today: one  
group is leaving, a large  
group is coming; a lot of  
things have to be  
rearranged. A church worker  
goes to the photocop-ier in  
between.

7. «ای جان من خداوند را  
متبارک بخوان و جمیع احسانهای  
او را فراموش مکن!» (مزامیر  
۱۰۳/۲) بسیاری از گروه‌های  
مختلف در برخی از روزها در  
سالن کلیسای Kreuzkirche گرد  
هم می‌آیند - مانند امروز: یک  
گروه می‌رود، یک گروه بزرگ  
می‌آیند. خیلی چیزها باید پاک  
شود. در این بین، یک کارگر  
جامعه به سمت دستگاه کپی می  
رود.



8. When she came back, everything had already been rearranged and she asked: "Where is my bunch of keys? It was here." Feverishly, the church worker looks for her bunch of keys. Everyone helps. But the key ring with many important keys - also for the parish hall - remains missing. One of the searchers says: "Now we can only pray."

8. وقتی او برمی گردد، همه چیز از قبل مرتب شده است و می پرسد: "کلیدهای من کجا هستند؟ همین جا بود." کارمند جامعه با تب و تاب به دنبال دسته کلیدهایش می گردد. همه کمک می کنند. اما دسته کلیدها با کلیدهای بسیار مهم - همچنین برای سالن محله - ناپدید شده است. یکی که در حال جستجو است می گوید: "اکنون تنها کاری که می توانیم انجام دهیم دعا است."

**9 The following Sunday, the bunch of keys reappears in a completely different place. As the worker goes to pick up the keys, someone with their hands up folds their hands as if in prayer. The worker sees this and beams. "Praise the Lord, my soul! And do not forget the good things he has done for you!" (Psalm 103:2)**

**9. یکشنبه بعد، دسته کلیدها دوباره در مکانی کاملاً متفاوت ظاهر می شوند. در حالی که کارمند قصد دارد کلیدها را در آنجا بگیرد، شخصی دستان خود را در هوا به هم می‌کوبد که گویی در حال عبادت است. کارمند این را می‌بیند و پرتو می‌کند. «ای جان من خداوند را متبارک بخوان و جمیع احسانهای او را فراموش مکن» (مزامیر ۲، ۳، ۱۰)**



10. "The LORD forgives all your sins." (Psalm 103:3a) Bible Circle in the Kreuzkirche: We talk about sin and forgiveness. One of us says: "We Christians receive a new life through Je-sus. Christians cannot continue to commit sins."

10. «خداوند همه گناهان شما را خواهد بخشید.» (مزامیر، ۱۰۳، ۳) گروه مطالعه کتاب مقدس در Kreuzkirche ما در مورد گناه و بخشش صحبت می کنیم. یکی می گوید: «ما مسیحیان از طریق عیسی زندگی تازه ای دریافت می کنیم. نباید مسیحیان به ارتکاب گناه ادامه دهند.»

11. Another says: "When Christians do something bad, we have to understand that. Christians also make mistakes. But we cannot say that all Christians are bad. We all make mis-takes and can learn from them. Only Jesus does not make mistakes. I am convinced that with Jesus it is true, as Psalm 103 says: "The Lord forgives all your sins."  
(Psalm 103:3a)

11. دیگری می گوید: «وقتی مسیحیان کار بدی انجام می دهند، باید آن را درک کنیم. مسیحیان نیز اشتباه می کنند. اما این بدان معنا نیست که ما می توانیم بگوییم که همه مسیحیان بد هستند. همه ما اشتباه می کنیم و می توانیم از آنها درس بگیریم. فقط عیسی هیچ اشتباهی نمی کند.» من متقاعد شده ام که با عیسی همانطور که در مزامیر ۱۰۳ می گوید: "خداوند همه گناهان شما را خواهد بخشید."  
(مزامیر ۱۰۳، ۳)

12. "The Lord heals all your diseases and brings your life out of the presence of death."  
(Psalm 103, 3b + 4a) People who have been on the run for several months have often experienced hardship. You can see that when they arrive in Germany. Sometimes they are not able to concentrate on anything and are quickly exhausted. They are often sick and don't smile much. I am very happy when I notice that something is changing.

12. « همهٔ مرضهای تو را شفا می‌بخشد؛ که حیات تو را از هاویه فدیه می‌دهد. » (مزامیر ۴، ۳، ۱)  
افرادی که چندین ماه در فرار هستند، اغلب چیزهای سختی را تجربه کرده‌اند. وقتی آنها به آلمان می‌رسند می‌توانید این را ببینید. گاهی اوقات آنها نمی‌توانند روی چیزی تمرکز کنند و به سرعت خسته می‌شوند. آنها اغلب بیمار هستند و کمی لبخند می‌زنند. وقتی متوجه می‌شوم چیزی در حال تغییر است بسیار خوشحال می‌شوم:

**13. For example, one woman who comes to us has changed a lot since she started. She does things now that were not possible before:**

**- She smiles, she learns and is no longer afraid of meeting others.**

**- She has really blossomed and is now a contented woman with self-confidence. I am very happy about that! "The Lord heals all your diseases, and he brings your life out of the presence of death." (Psalm 103:3b + 4a)**

**13. مثلاً با خانمی که به ما مراجعه می کند، الان خیلی چیزها نسبت به اول متفاوت است. او اکنون کارهایی را انجام می دهد که قبلاً نمی توانست انجام دهد:**

**- لبخند می زند، یاد می گیرد و دیگر از ملاقات با دیگران نمی ترسد.**

**- او واقعاً شکوفا شده است و اکنون یک زن راضی با اعتماد به نفس است. « من از این بابت خیلی خوشحالم! » همهٔ مرضهای تو را شفا می بخشد؛ که حیات تو را از هاویه فدیة می دهد. « (مزامیر ۴، ۳، ۱)**



14. "The Lord adorns you with a crown of goodness and mercy." (Psalm 103, 4b, c) A woman from our congregation shares: "I am currently in a difficult phase of my life. I realize that I am not the master of my life. Not everything goes according to my wishes. But my whole life is in God's hands. I trust in Him and I know that Jesus has good plans for my life.

14. «تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد؛.» (مزامیر ۱۰۳، ۴) زنی از کلیسای ما می‌گوید: «در حال حاضر دوران سختی را در زندگی‌ام سپری می‌کنم. می‌فهمم که من ارباب زندگی‌ام نیستم. همه چیز مطابق میل من پیش نمی‌رود. اما تمام زندگی من در دستان خداست. من به او اعتماد دارم و می‌دانم که عیسی برنامه‌های خوبی برای زندگی من دارد.»

15. Every day I ask Jesus for patience and strength to bear this difficult situation in my life. I know: Jesus remains with me. He takes my troubled soul into his hands and helps me every day. Why am I afraid? With Jesus, I will make it. My soul encourages me to trust him." "The Lord adorns you with a crown - it is made of goodness and mercy." (Psalm 103:4b, c)

15. هر روز از عیسی صبر و قدرت برای تحمل این وضعیت دشوار در زندگی ام می خواهم. می دانم: عیسی با من می ماند. او روح پریشان مرا در دستانش می گیرد و هر روز به من کمک می کند. چرا میترسم؟ با عیسی من همیشه موفق خواهم بود، روح من مرا تشویق می کند که به او اعتماد کنم. « تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می نهد؛ »  
(مزامیر ۴، ۳، ۱)



16. "The Lord will provide you with good things all your life. So you will feel as young as an eagle." (Psalm 103:5) After the service, a visitor of mature age said: "I am really exhilarated after this service. It was beautiful again. Now I am very close to Jesus again. And many young men are involved in the service. With Jesus and these many young men, I also feel really young again.

16. « که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود. (مزامیر ۱۰۳، ۵) پس از مراسم، زنی مسن تر می‌گوید: «بعد از این مراسم واقعاً احساس خوشحالی می‌کنم. اکنون دوباره به عیسی بسیار نزدیک شده‌ام. و بسیاری از مردان جوان در این خدمت شرکت می‌کنند. با عیسی و این مردان جوان، دوباره احساس جوانی می‌کنم.»

17. "The Lord will provide you with good things all your life. So you will feel as young as an eagle." (Psalm 103:5) I visit a 99-year-old man in the old people's home. He tells me about his time as a soldier in the Second World War: "When I was supposed to go to war in the East, I became seriously ill. As a result, I was spared a lot. I never took part in the terrible war against the Soviet Union.

17. « که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود. (مزامیر ۵، ۱۰۳) من به دنبال پیرمردی 99 ساله در خانه سالمندان هستم. او درباره دوران سربازی خود در جنگ جهانی دوم می‌گوید: زمانی که قرار بود به سمت شرق به جنگ بروم، به شدت بیمار شدم. این خیلی من را نجات داد. من هرگز در جنگ وحشتناک علیه اتحاد جماهیر شوروی شرکت نکردم.

18. Later, our unit was transferred to northern Italy. Heavy fighting took place there. When we finally arrived there, the fighting was over. At the end of the war, we were ordered to Aachen, on the western border of Germany. There, heavy fighting took place between the Germans and the Americans. When we arrived in Aachen, the fighting was already over.

18. بعداً واحد ما به شمال ایتالیا منتقل شد. درگیری های شدیدی در آنجا رخ داد. وقتی بالاخره به آنجا رسیدیم، درگیری تمام شد. در پایان جنگ فرار شد به آخن، در مرز غربی آلمان برویم. در آنجا جنگ شدیدی بین آلمانی ها و آمریکایی ها در گرفت. وقتی به آخن رسیدیم، جنگ دیگر تمام شده بود.

**19. I was taken prisoner of war by the Americans. I did not fare badly there. I worked in the kitchen and always had enough to eat. Until today, God has always protected me and I have also experienced many beautiful things.” His eyes flash mischievously and the old man seems young for a moment. “The Lord will provide you with good things all your life. So you will feel as young as an eagle.” (Psalm 103:5)**

**19. اسیر جنگی آمریکایی ها شدم. اونجا حس بدی نداشتم من در آشپزخانه کار می کردم و همیشه به اندازه کافی غذا می خوردم. تا به امروز، خداوند بارها و بارها از من محافظت کرده است و من نیز چیزهای زیبایی را تجربه کرده ام. چشمانش با شیطنت برق می زند و پیرمرد برای لحظه ای جوان به نظر می رسد. « که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود. (مزامیر ۱۰۳، ۵)**



20. "The Lord brings justice. He brings justice to all who are oppressed." (Psalm 103:6) This is the Bible verse for my confirmation. At that time I was 13 years old and had my confirmation. For people who are baptized as adults, we call it "baptism plus". As a teenager, I often felt unfairly treated. I hoped in God to restore justice and that my sister would not tease me anymore.

20. «خداوند عدالت را به جا می‌آورد و انصاف را برای جمیع مظلومان» (مزامیر ۶، ۱۰۳) این آیه کتاب مقدس برای تأیید من است. در آن زمان من 13 ساله بودم و تأییدیه داشتم. برای افرادی که در بزرگسالی غسل تعمید می‌گیرند، این را «تعمید پلاس» می‌نامیم. در دوران نوجوانی، اغلب احساس می‌کردم با من ناعادلانه رفتار می‌شود. به خدا امیدوارم عدالت را اعاده کند و خواهرم دیگر مرا اذیت نکند.

21. Later I got to know God's justice in Jesus. Today I know: Jesus accepts me as I am. With him I do not belong to the oppressed. For Jesus makes me righteous before God. "The Lord establishes justice. He brings justice to all who are oppressed." (Psalm 103:6)

21. بعداً به عدالت خدا در عیسی پی بردم. امروز می دانم: عیسی مرا همانطور که هستم می پذیرد. من از مظلومین با او نیوادم. زیرا عیسی مرا در برابر خدا عادل می کند. خداوند عدالت را به جا می آورد و انصاف را برای جمیع مظلومان» (مزامیر ۱۰۳، ۶)



**22. Back to the trial at the beginning: I felt that the man was treated unjustly during the trial. But he convinced the judge that he was a Christian in body and soul. Here too, God helped the oppressed man to justice. On the cross, Jesus gave him his rightness. He made him a human being whom nothing can separate from God's justice and love.**

**22. بازگشت به ابتدای محاکمه:  
احساس می‌کنم در طول دادگاه با  
مرد ناعادلانه رفتار شد. اما او  
قاضی را متقاعد کرد که او  
مسیح، جسم و روح است. در  
اینجا نیز خداوند عدالت را برای  
مظلومان قرار داده است. عیسی  
عدالت خود را بر روی صلیب به  
او داد. او را مردی ساخته است  
که هیچ چیز نمی‌تواند او را از  
عدل و محبت خدا جدا کند.**

**23. And so at the end of this sermon is the praise of God: Three One, Three One. Praise be to the Triune God, Father, Son and Holy Spirit.**

**Amen!**

**23. و لذا در پایان این خطبه حمد خداوند آمده است: سه یک، سه یک. ستایش خدای سه گانه، پدر، پسر و روح القدس.**

**آمین**